یادداشت روز

هوا سرد شد آلرژی مدعیان اصلاحات عود کرد!

فقط خدا می‌داند، چقدر از کاهش دمای کشور خوشحالند و فقط او می‌داند چقدر انتظار این را می‌کشند که مقام مسئولی در تریبون‌های رسمی بگوید، مثلا گاز فلان منطقه به خاطر سرمای زیاد دچار افت فشار شده یا در فلان روستا مردم دیگر گاز ندارند. چرا؟ فقط برای این که بگویند، چرا وقتی فلان مقام بلند پایه و رسمی اروپایی می‌گفت، اروپا زمستان سختی پیش رو دارد، اخبار آن در رسانه‌های کشور و صدا و سیما بازنشر می‌شد! تعجب نکنید به صفحات اول روزنامه‌های امروز و روزهای گذشته‌شان رجوع کنید. اما چرا از بازنشر اظهارات و اخبار رسمی غربی‌ها در رسانه‌های ایران راجع به زمستان سخت و بحران انرژی و اقتصادی عصبانی می‌شوند؟ برای فهم این نوع رفتارها، باید وارد ذهن این غربگراها شد و از زاویه دید آنها به مسئله نگاه کرد تا فهمیدشان...

اشتباه نکنید. تعصب، یکدندگی و لج بازی دلیل این رفتار جماعت غربگرای ما نیست. این رفتار عجیب ریشه‌های عمیق تری دارد. این صفات زشتی که از آنها نام بردیم، تا جایی می‌مانند که فرد، از ناحیه آنها دچار فشار و آسیب جدی نشود اما به محض این که تبعات آنها شدت یافت، چه بسا خود به خود فرد را متعادل سازد. این که انتظار بحران برای کشورت و مردمانت را بکشی، نتیجه تعصب و یکدندگی نیست و مسئله فراتر از اینهاست. این چه حالتی است و درکجای دنیا برای یخ زدن کشورشان، لحظه شماری می‌کنند؟ این چه روحیه، بیماری، درد یا مسئله‌ای است که اگر سرما کشور خودشان را دچار مشکل کند و جان عده‌ای را هم به خطراندازد، عده‌ای ذوق مرگ می‌شوند؟ و اگر حتی دچار مشکل هم نکند، اصرار می‌کنند که شده است؟ بخوانید:

کمتر از یک سال پیش، روسیه با هدف جلوگیری از گسترش ناتو به شرق، جنگ بزرگی را با ناتو و غرب در اوکراین آغاز کرد. گستردگی این جنگ آن‌قدر عظیم و خساراتش آن‌قدر بزرگ است که، شاید تصور آن برای «شرقی جماعت»، سخت باشد. مثلا مجبور شدن انگلیسی‌ها به انتخاب بین گرما یا غذا، هجوم آلمانی‌ها به پارک‌ها برای بریدن درخت‌ها و شکستن نیمکت‌ها جهت استفاده به عنوان هیزم، ترویج حشره‌خواری، ترویج و تبلیغ خوردن غذاهای کپک زده و تاریخ مصرف گذشته برای کاستن از هزینه‌ها و صرف هزینه پس‌انداز شده از این راه در پرداخت قبوض برق و گاز، ورشکستگی هزاران کارخانه و شرکت، مهاجرت به کشورهای گرمتر برای فرار از هزینه‌های کمر شکن انرژی، اعتصاب‌های فلج‌کننده و مرگبار در کشورهایی مثل انگلیس، آلمان و فرانسه... به نام کشورها دوباره نگاه کنید: آلمان، فرانسه، انگلیس، سوئد و... ثروتمندترین و صنعتی‌ترین کشورهای اروپایی هستند!

کارشناسان و استراتژیست‌های بزرگی مثل «هنری کیسینجر» و «جان مرشایمر» و خیلی‌های دیگر که آمدن چنین روزهایی را پیش‌بینی می‌کردند، یا به شکل مستقیم یا در دل تحلیل‌هایشان نوشتند، مقصر این جنگ غرب است چرا که روسیه از سال‌ها پیش نسبت به تبعات عضویت همسایه خود یعنی اوکراین در ناتو هشدار داده بود. کیسینجر که تبعات ادامه این جنگ را در همان هفته‌های آغازین آن پیش‌بینی کرده بود، تلاش کرد طی مصاحبه و یادداشت‌های پی‌درپی، راه‌حلی برای آتش‌بس و صلح ارائه کند و آخرین راه‌حلی را هم که ارائه کرد، گردن نهادن غرب به همان خواسته اولیه روسیه بود که اگر رعایت شده بود، احتمالا جنگی رخ نمی‌داد: تضمین عدم عضویت اوکراین در ناتو و تبدیل آن به کشوری بی‌طرف! اخبار این تحولات و هشدارها و بحران‌ها نیز به دلیل اهمیت آنها به طور مرتب در رسانه‌ای دنیا پوش داده شده‌اند و می‌توان با یک جست و جوی ساده اینترنتی به آنها دست یافت.

حالا برگردیم سراغ بحث خودمان. سؤال این بود. چرا غربگرایان از بازنشر این اخبار و تحلیل‌ها عصبانی می‌شوند. پاسخ در غربگرا بودن هم نیست. چرا که آنها از خود غرب که نمی‌توانند غربی‌تر باشند! منبع اصلی انتشار این اخبار رسانه‌های معتبر و مقامات ارشد و رسمی همین غرب هستند. بنابر این پاسخ در غربگرایی این طیف هم نیست.

ما فکر می‌کنیم، یکی از پاسخ‌های اصلی این سول به «برجام» و «مذاکره» با آن سه چهار کشور اروپایی و آمریکا ارتباط دارد. بله درست شنیدید؛ برجام و مذاکرات. برجام همه چیز غربگرایان است. فلذا، هر اقدامی را که بتواند به این توافق مُرده، حتی یک خَش وارد کند، بر نمی‌تابند ولو این اقدام، بازنشر اخبار بحران‌های عجیب و غریب اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی غرب باشد. انتشار اخبار بحران‌های کمرشکن غرب، ضعف و ناتوانی آنها در حل معضلاتشان را نشان می‌دهد و این طیف، غرب را در افکار عمومی ایران ضعیف نمی‌خواهد، حَلال مشکلات می‌خواهد!

در واقع، برجام ناموس این طیف است؛ حتی اگر مُرده باشد. برایشان مثل یک چارچوب نظری است که جهت تحلیل و تبیین هر موضوعی -تأکید می‌کنیم - هر موضوعی در هر حوزه‌ای که فکرش را بکنید، به کارش می‌گیرند. اگر مواضع آنها را طی سال‌های بعد از شکل گیری توافق برجام مرور کنید، خواهی دید آن را حلال تمام مسائل ایران معرفی کرده و همه چیز را داخل این چارچوب تحلیل و تبیین کرده‌اند. از آب خوردن مردم تا فیش‌های نجومی، از اقتصاد تا فرهنگ و سیاست، از ترور و آدم کشی تا آشوب‌های خیابانی و... فقط به عنوان یک مثال خیلی نزدیک، رجوع کنید به یادداشت سه روز پیش یکی از وزرای دولت برجام درباره هتاکی نشریه هتاک فرانسوی تحت عنوان «جمهوری اسلامی در دام شارلی ابدو نیفتد.» شاید باور نکنید اما، هتاکی شارلی ابدو را هم به شکل مستقیم به مذاکرات و به شکل غیر مستقیم به برجام ارتباط داده است! ایشان درباره واکنش به هتاکی نشریه‌ای که کارش هتاکی به مقدسات است، به جمهوری اسلامی ایران هشدار داده که، مبادا واکنشی نشان دهید. چرا؟ چون باعث تیرگی روابط با اروپا و از بین رفتن آخرین امیدهایش برای احیاء مذاکرات می‌شود!

یا مثلا وقتی انسان بزرگی در تراز سردار دلها سلیمانی- که همین چند روز پیش سومین سالگر شهادتش بود- آن طور ناجوانمردانه ترور شد، گفتند این ترور نباید باعث توقف و تضعیف مذاکرات و برجام شود. وقتی برجام از سوی غرب با آمدن تحریم‌های پی‌درپی عملا نقض می‌شد، باز تاکید می‌کردند برجام باید بماند. وقتی آمریکا با مشاهده واکنش بی‌نظیر! این طیف در برابر بد عهدی‌هایش، با خیال آسوده از برجام خارج شد، باز هم گفتند صرفا یک مزاحم از برجام خارج شد و...خلاصه این که، هر تحریم، هتاکی، ترور، آشوب، جنگ‌افروزی و جنایت و خیانتی که از سوی غرب علیه این کشور راه‌اندازی و مدیریت شد، از نگاه این طیف، نه کار بایدن و بن سلمان و ماکرون که، کار یک طیف تندرو در زیرزمین‌های مخفی کاخ سفید و الیزه بوده که هدفش، بر هم خوردن مذاکرات و از بین رفتن آخرین امیدها برای زنده شدن برجام بود! ماجرای زمستان سخت اروپا و گرفتاری عجیب و غریبی که کشورهای غربی با ورود به جنگ اوکراین دچارش شده‌اند نیز، از نگاه این طیف نباید باز نشر شود چون اولا، بی‌فایده بودن مذاکرات را اثبات می‌کند و مردم با دیدن و شنیدن این اخبار خواهند گفت «موز اگر قوّت داشت، کمر خود را راست می‌کرد»، ثانیا، غلط و مُخرب بودن منظومه فکری این طیف را بر ملا می‌سازد. از نگاه این طیف، ایران باید همیشه ضعیف و گرفتار در مشکلات دیده شود و اوضاع غرب هم همیشه باید گل و بلبل نشان داده شود تا، راه وابستگی به غرب باز بماند.

اما این‌جا طیف دیگری هم وجود دارند که، مذاکره با آن سه چهار کشور غربی را بنا به دلایل تاریخی و تجربی بی‌فایده و پُرخسارت می‌بینند و معتقد به تنظیم معقول و متوازن روابط با همه کشورهای جهان و توجه به ظرفیت‌های عظیم بر جای مانده در داخل و خارج به شکل توأمان هستند. به عبارتی، دنیا را تشکیل شده از ۱۹۵ کشور می‌دانند نه ۴ کشور! آنها برجام را «خسارت محض» می‌دانند و برای این اعتقادشان هم دلایل زیادی دارند. شما بفرمایید، توافقی که مجوز هر اقدامی را علیه مردم و کشور عزیزمان بدهد و مانع از پاسخگویی به این اقدامات و جنایات و هتاکی‌ها شود-که مبادا به تریج قبای برجام و مذاکره و غرب بر بخورد- خسارت محض است یا حلال مشکلات؟

همین امروز رجوع کنید به صفحات اول روزنامه‌ها و سایت‌هایشان. مملو از اخبار، تصاویر و تحلیل‌هایی است راجع به «زمستان سخت در ایران» تا، «زمستان واقعا سختِ اروپا» در اذهان محو شود این در حالی است که در کشورمان نه کسی مجبور شده از فضولات گربه برای آتش‌افروزی و تولید گرما استفاده کند، نه کارمندانمان وادار شده‌اند، پتوپیچ پشت میزهایشان بنشینند و نه وادار شده‌اند، ۴۰ درصد در مصرف انرژی صرفه‌جویی کنند. هیچ خانه عادی هم مجبور نشده ماهی ۳۰ میلیون تومان بابت پرداخت قبض گاز خانه‌اش پرداخت کند و هزینه‌های انرژی مردم نیز شکر خدا ۴ برابر درآمد ماهانه‌شان نشده است. توصیه‌های همیشگی و همه ساله برای صرفه‌جویی در مصرف گاز در زمستان در ایران کجا، «زمستان سخت» اروپا با تبعات هولناکی که در بالا به گوشه‌ای از آنها اشاره شد کجا؟!

جعفر بلوری

خبرنگار اینترنشنال: با اخبار دروغ سعی می‌کنیم ایران را در آشوب و شورش نشان دهیم

یکی از خبرنگاران شبکه تروریستی سعودی اینترنشنال طی گفت‌وگویی، جزئیاتی از رفتارهای غیرحرفه‌ای این شبکه را تشریح کرد.

بعد از اعلام تروریستی بودن شبکه سعودی اینترنشنال توسط ایران و شکست پروژه اغتشاشات به نظر می‌رسد وضعیت این شبکه تروریستی در مرحله جدیدی قرار گرفته است؛ برخی اعضا به گروه‌ها و افراد وابسته به ایران پیام‌های همکاری می‌دهند؛ برخی از سوی دولت انگلیس ممنوع‌الخروج شده‌اند و برخی دیگر از احتمال اینکه سرویس‌های جاسوسی آنها را با دیگر دستگاه‌های اطلاعاتی مبادله یا معامله کنند، نگران هستند.

به گزارش تسنیم، برای پاسخ به سؤالات متعدد درباره وضعیت این‌روزهای شبکه تروریستی سعودی اینترنشنال با یکی از کارکنان این شبکه، گفت‌وگویی انجام شده است؛ فایل این گفت‌وگو و نام فرد یاد شده محفوظ است.

همه همدیگر را متهم به ارتباط با ایران می‌کنند

این کارمند یا خبرنگار شبکه تروریستی سعودی اینترنشنال در بخشی از این گفت‌وگو، تصریح کرده است: وضعیت بحرانی درون این شبکه حاصل سیاست‌های غلط مدیران غیرحرفه‌ای و برخی از خبرنگاران وابسته به گروه‌های ضد انقلاب شاغل در این شبکه است؛ امروز در این شبکه، وقتی یکی از خبرنگاران یا مجریان چند ساعتی تاخیر می‌کنند، همه با نگاه تردید به او نگاه می‌کنند، تقریبا همه همدیگر را متهم به ارتباط با ایران می‌کنند چون اطلاعات مهمی از این شبکه در اختیار ایران قرار گرفته که موجب این حدس و گمان‌ها شده است.

این کارمند اینترنشنال که به‌صورت مخفیانه اطلاعاتی از درون این شبکه را نیز برای یکی از مرتبطینش در لندن بازگو کرده است، تأکید کرده است: رفتارهای غیرحرفه‌ای مدیران اینترنشنال مسبب اصلی وضعیت امروز است؛ مدیران شبکه در وقایع اخیر ایران با عبور از بسیاری از خط قرمزها و اصول خبرنگاری و رسانه‌ای باعث شدند تا ایران اتهام تروریستی به ما بزند و این‌طور احساس ناامنی در لندن برای ما ایجاد شود.

خبرهای دروغ را منتشر کنیم!

وی افزود: ما بدون هیچ تحقیقی در مورد خبرهایی که ادعا می‌شود از ایران رسیده آنها را منتشر می‌کنیم و با دست‌کاری تصاویر و صداگذاری هم سعی داریم هر روز ایران را در شورش و آشوب نشان دهیم. بسیاری از این خبرها از طرف گروه‌های اپوزیسیون تهیه می‌شود و ما مجبوریم خبری که حتی خودمان باور نداریم را منتشر کنیم!

کاربران ایرانی ما را مسخره می‌کنند

او ادامه داد: برخی از افرادی را که به عنوان کارشناس در این شبکه دعوت می‌کنیم سواد حداقلی برای مصاحبه را هم ندارند؛ در اکثر مواقع و قبل از مصاحبه، سؤال و جواب‌ها را به آنها می‌دهیم که بتوانند صحبت کنند.

من در شبکه‌های اجتماعی می‌بینم که اکانت‌های واقعی از درون ایران ما را به خاطر برخی از مهمانانمان مسخره می‌کنند.

این عضو شبکه سعودی اینترنشنال اضافه کرد: مدیران اینترنشنال صرفاً پول زیادی در اختیار دارند و خرج می‌کنند و اصلاً برایشان اهمیتی ندارد که اصول کار حرفه‌ای چیست. برخی از همکاران ما در این شبکه از گروه‌های مختلف اپوزیسیون هستند.

برخی از آنها با یکدیگر به شدت اختلاف دارند که گویا یک‌بار کار به زد و خورد هم رسیده است. من خودم این صحنه را ندیدم، اما گویا اخبارش به بیرون هم درز کرده بود.

وی با اشاره به فعالیت چندین ساله برخی شبکه‌های فارسی‌زبان ضدانقلاب در لندن اضافه کرد: من نمی‌خواهم از کسی اسم ببرم، اما مدیران شبکه‌های رقیب در لندن را می‌شناسم و می‌دانم حداقل در مدیا و برنامه‌سازی حرفه‌ای هستند.

شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد

راهپیمایی سراسری نمازگزاران پس از اقامه نماز جمعه در محکومیت اقدام توهین‌آمیز نشریه فرانسوی

شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی در اطلاعیه‌ای، ضمن محکوم کردن اهانت نشریه فرانسوی به ساحت مقدس رهبر معظم انقلاب و مرجعیت شیعه، نمازگزاران جمعه را به برگزاری راهپیمایی پس از اقامه نماز جمعه این هفته دعوت کرده است.

شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی در پی اهانت نشریه فرانسوی به ساحت مقدس رهبر معظم انقلاب و مرجعیت شیعه اطلاعیه‌ای صادر کرد.

در بخشی از این اطلاعیه آمده است: اقدام مذبوحانه اردوگاه استکبار در اهانت و جسارت به مقدسات و مرجعیت دینی، بیانگر اوج عصبانیت، درماندگی و ناامیدی و نتیجه شکست‌های پی‌درپی غرب از ایستادگی و استواری ملتی هوشمند، مؤمن و معتقد به اسلام و ارزش‌های اسلامی و وفادار به ولی‌امر مسلمین است و این اقدامات موهن و ننگین که ریشه در خوی استکباری دنیای غرب و اندیشه‌های باطل آنها دارد در طول تاریخ پر فراز و نشیب اسلام عزیز و انقلاب عظیم اسلامی به کرات دیده شده و نشان از ضعف و زبونی و بن‌بست تفکر و رنگ‌باختگی ارزش‌های فرهنگی کانون‌های فکر و اندیشه که از آبشخور جریانات استکباری و صهیونیستی ارتزاق می‌کنند، می‌باشد.

در بخش دیگری از این اطلاعیه آمده است: این‌گونه اقدامات فاقد ارزش و بی‌هویت احساسات پاک آزادی‌خواهان سراسر جهان را جریحه‌دار ساخته و در روابط بین‌المللی مسلمانان با رژیم فرانسه تأثیرگذار خواهد بود و تداعی‌کننده خوی استکباری مستکبران با ادبیاتی نوین برای خودبرتربینی و بی‌حرمتی به دیگران است که تبعات و عواقب آن برای این کشور و حامیان این حرکت زشت، سنگین و قاطع خواهد بود.

اقدام سخیف، زشت و ذلالت‌بار سیاه‌نامه منفور نشریه فرانسوی «شارلی ابدو» خشم انقلابی اقشار مختلف ملت بزرگ ایران را که عاشقانه جایگاه رفیع مرجعیت را تکیه‌گاه محکم و حبل‌المتین گذر از فراز و فرودها و گردنه‌های پر پیچ و خم گذشته و آینده نظام اسلامی خود می‌دانند برانگیخته؛ خواستار برگزاری راهپیمایی و محکومیت این اقدام پلید اردوگاه استکبار شدند.

شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی از تمامی ملت عزیز و آزاده ایران اسلامی دعوت می‌کند تا در راهپیمایی که بعد از اقامه نماز جمعه ۲۳ دی‌ماه ۱۴۰۱ در سراسر کشور برگزار می‌شود، شرکت کرده، خشم و انزجار خویش را از این اقدام نشریه مبتذل به نمایش گذاشته و دخالت‌های کشور فرانسه و دیگر کشورهای غربی را در امور داخلی ایران محکوم نمایند.

خبر ویژه

علت ناترازی گاز؛ انحلال شرکت ذخیره‌سازی در سال ۹۷

تعلل وزارت نفت در دولت سابق در زمینه تدارک ذخیره‌سازی، موجب بروز ناترازی گازی در کشور شده است.

روزنامه ایران با اشاره به مشکل مزمن ناترازی گاز در کشور نوشت: دلیل مهم این اتفاق، تعلل وزارت نفت دولت قبل در عدم سرمایه‌گذاری کافی در صنعت نفت از جمله در توسعه ذخیره‌سازی گاز بوده است. از کمبود گاز همزمان با نزدیک‌شدن به فصل سرد سال در کنار رشد مصرف گاز بخش خانگی، به‌عنوان یکی از چالش‌های مهم صنعت نفت و گاز کشور یاد می‌شود؛ چالشی که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر صنایع مختلف کشور تأثیر منفی خود را گذارده است. به‌طور معمول، ذخیره‌سازی انرژی با هدف استفاده درفصول سرد سال، روشی مهم و در عین حال کارساز برای کشورهای تولیدکننده انرژی به‌شمار می‌رود. در واقع هدف از ذخیره‌سازی انرژی را اتخاذ روشی مطمئن برای کنترل «اوج مصرف گاز» به حساب می‌آورند. در این روش، در ماه‌های گرم سال که مصرف گاز پایین بوده، گاز مازاد در مخازن ذخیره می‌شود و در ماه‌های سرد سال که مصرف به اوج می‌رسد، گاز ذخیره شده مورد استفاده قرار می‌گیرد. ذخیره‌سازی گاز همواره در تجارت گاز از جایگاه رفیعی برخوردار بوده، به نحوی که در بسیاری از کشورهای دنیا بین ۱۰ تا ۱۲ درصد گاز مصرفی را ذخیره‌سازی می‌کنند، هرچند که سهم ذخیره‌سازی گاز در کشور در محدوده ۱.۷ درصد گاز مصرفی بوده است، آن هم در کشوری که عنوان سومین تولیدکننده گاز جهان را با خود به یدک می‌کشد و دارنده ۱۸ درصد از میادین گازی جهان است. گزارش‌ها نشان می‌دهند میزان مصرف گاز در بخش خانگی در تابستان ۲۰۰ میلیون مترمکعب بوده که این رقم در زمستان به‌دلیل مصرف زیاد به بالای ۶۰۰ میلیون مترمکعب در روز هم می‌رسد. در حال حاضر بیش از ۷۰ درصد انرژی کشور به وسیله گاز تأمین می‌شود. هم‌اکنون رشد مصرف گاز در کشور در زمینه‌هایی همچون مصارف خانگی سالانه ۶ درصد، بخش‌های عمده ۵ درصد و در بخش نیروگاهی ۴ درصد برآورد می‌شود. رشد شدت مصرف انرژی در کشور نسبت به مصرف جهانی بیش از دو برابر است.

واقعیت این است ناشی‌گری دولت قبل در انحلال شرکت ذخیره‌سازی گاز طبیعی و کم‌کاری در توسعه ذخیره‌سازی گاز، ضربه سنگینی به صنعت نفت و گاز و حتی اقتصاد کشور وارد کرده است. بر این اساس، یکی از پیامدهای این اقدام، ناترازی و افت شدید گاز در فصل سرد سال است. شرکت ذخیره‌سازی گاز طبیعی، یکی از شرکت‌های فعال در زمینه ذخیره‌سازی بوده که در خردادماه سال ۹۷ منحل شد.

به‌دنبال اعلام این انحلال، طرح‌های در دست اجرای آن هم به شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران منتقل شد، اما این شرکت پیش از انحلال چه سرنوشتی داشت؟ مطالعات ذخیره‌سازی گاز طبیعی در میدان یورتشا و سراجه قم از سال ۷۵ در شرکت ملی گاز ایران با انعقاد قرارداد با شرکت kbb شکل واقعی به خود گرفت که درسال ۷۸ به شرکت ملی نفت منتقل شد.

اردیبهشت‌ماه سال ۸۲ مجدداً به عنوان یک طرح به شرکت ملی گاز واگذار شد اما طرح مذکور از اسفندماه سال ۸۴ به‌صورت مدیریت جداگانه به فعالیت خود ادامه داد و از سال ۸۶ هم به شرکت ذخیره‌سازی گاز طبیعی منتقل شد، هرچند که پروژه یورتشا به‌دلیل ترک کار توسط پیمانکار مربوطه یعنی «سفره گاز فرانسه» به تعویق افتاد اما قرار شد به‌صورت bot و boo انجام شود که به‌دلیل انحلال شرکت، ادامه فعالیت به شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران انتقال یافت. در نهایت، پروژه سراجه در سال ۹۱ به بهره‌برداری رسید و در سال ۹۲ هم تأسیسات ذخیره‌سازی سراجه به شرکت ملی گاز منتقل شد. پروژه شوریجه هم با وجود آنکه از سال ۸۹ شروع شد اما در سال ۹۴ به بهره‌برداری رسید. واقعیت این است که کارنامه دولت قبل در زمینه توسعه صنعت نفت و گاز از جمله ذخیره‌سازی گاز خالی از نمرات قابل قبول بوده که تأثیرات آن یکی پس از دیگری نمود می‌یابد.

مهدی هاشم‌زاده کارشناس حوزه انرژی گفته است که با توجه به پتانسیل‌های ایران در حوزه گاز، اگر طی سال‌های گذشته به موضوع ذخیره‌سازی توجه می‌شد، می‌توانستیم در حل مشکل ناترازی تولید و مصرف و همچنین صادرات گاز گام برداریم که متأسفانه با انحلال شرکت فعال در این حوزه در دهه ۹۰، از این قافله جامانده‌ایم.

عصبانیت سناریونویسان آمریکایی از رویکرد انقلابی خانواده شهید جبلی

رئیس سازمان صداوسیما در واکنش به اظهارات برادرش که درصدد گرفتن پناهندگی از کانادا و آمریکاست: طبیعت این مسیر، ریزش‌ها و رویش‌هاست.

پیمان جبلی گفت: اظهارات برادرم را دیدم؛ نمی‌دانم چقدر از این حرف‌ها ارادی و تحت اختیار است. این اتفاقات، چیز جدیدی نیست و در گذشته هم بوده و طبیعت این مسیر، ریزش‌ها و رویش‌ها است

میثم جبلی اخیرا در گفت‌وگویی مهندسی شده که از سوی تایم منتشر شده، کشته شدن برادرزاده‌اش در ماجرای سقوط هواپیمای اوکراینی را دستمایه اظهارات مغرضانه علیه نظام قرار داد و این در حالی است که به نظر می‌رسد او گرفتار تله سرویس جاسوسی آمریکا شده و به سودای پناهندگی یا تحت فشارهای پس از سفر به کانادا، مجبور شده اظهاراتی سخیف را بر زبان جاری کند. او در این روند خودزنی اجباری، ناچار شده حتی به برادر دیگر خود -پدر شهید حادثه سقوط هواپیما- هم حمله کند و مدعی شود که پدر محمد امین (شهید حادثه هواپیمای اوکراینی) مغزشویی شده است(!) این در حالی است که خود شهید هم، از دوستداران نظام و از ارادتمندان شهید سلیمانی بوده است

وبسایت صدای آمریکا در این باره در گزارشی نوشت: «برادر رئیس‌سازمان صدا و سیما که ایران را ترک کرده و در خارج از کشور پناهجو است به مجله آمریکایی «تایم» گفته که پس از کشته شدن برادرزاده‌اش در پرواز «پی‌اس ۷۵۲» با موشک‌های سپاه پاسداران، تحملش تمام شد و ایران را ترک کرد. میثم جبلی، عموی کوچک محمدامین، می‌گوید کشته شدن برادرزاده‌اش توسط سپاه پاسداران باعث نشد پیمان جبلی (رئیس‌صدا و سیما) و دیگر اعضای خانواده جبلی از حمایت از نظام دست بکشند».

صدای آمریکا می‌افزاید: میثم جبلی ۴۳ ساله، سه سال پیش به همراه یکی دیگر از برادرانش از ایران فرار کرد و هر دو آنها در حال حاضر پناهجو هستند. «تایم» می‌نویسد آنها به واسطه نفوذ خانوادگی خود می‌توانستند به قدرت و ثروت برسند، ولی به این که زندگی به عنوان پناهجو را برگزیده‌اند افتخار می‌کنند. میثم جبلی می‌گوید: «فکر نمی‌کنم چیزی دشوارتر از این باشد که مجبور شوید خانواده‌تان، خون‌تان، و والدین‌تان را ترک کنید».

همزمان با سناریوسازی طرف آمریکایی، سایت غربگرای عصر ایران در تحلیلی نوشت: «نشریه آمریکایی تایم از پناهنده شدن میثم جبلی برادر پیمان جبلی رئیس‌سازمان صدا و سیما به آمریکا خبر داده است. به بهانهٔ این خبر چند نکته را می‌توان یادآور شد: سه سال قبل و بعد از سرنگونی هواپیما اعلام شد نام یکی از قربانیان محمد امین جبلی دانشجوی ۲۹ سالهٔ رشته پزشکی در دانشگاه تورنتوی کانادا- فرزند دکتر محمد جبلی متخصص قلب- است و تصویری هم از حضور پیمان جبلی در مراسم منتشر شد. مصاحبه‌ای هم به نقل از پدر محمدامین انتشار یافت که در آن گفته بود پسرم عزادار سردار سلیمانی بود. با این اوصاف پدر محمدامین جبلی به لحاظ فکری مانند پیمان است و تصمیم برادر دیگر تفاوت او را نشان می‌دهد. داستان هواپیمای اوکراین به خاطر انکار اصابت موشک در سه روز اول و مقاومت رئیس‌وقت صدا و سیما در قبال انتشار خبر اذعان به اصابت موشک (به گفته دکتر اسدی لاری و همسرشان که از داغ دیدگان و از چهره‌های مورد وثوق نظام‌اند که تنها با رسانه‌های داخلی مصاحبه می‌کنند) و ابهاماتی که امیدواریم در رسیدگی جاری رفع شود به زخمی بدل شده و تا ابعاد کامل آن روشن نشود ازاین دست خبرها شاید باز هم بشنویم».

یادآور می‌شود تردید افکنی در ماجرای سقوط هواپیماتی اوکراینی، در حالی است که بسیاری از قربانیان و شهدای این سانحه تلخ (از جمله امیر شریفی، فاطمه قاسمی، محمد صالحه، زهرا حسنی و...) از طرفداران پر و پا قرص نظام بوده‌اند. ثانیا این اولین و آخرین حادثه «سقوط هواپیما در اثر شلیک خودی» در دنیا نبوده و موارد مشابه آن در کشورهای مختلف غربی رخ داده است. آخرین بار هم چند روز قبل، یک فروند جنگنده اوکراینی توسط پدافند این کشور سرنگون شد. ثالثا محافل غربی، ماجرای تلخ سانحه هواپیما را بهانه‌ای برای تحت‌الشعاع قرار دادن حمله موشکی سپاه به بزرگ‌ترین پایگاه نظامی آمریکا در عراق (به تلافی جنایت ترور سردار سلیمانی) کردند.

اما درباره اظهارات برادرزاده مرحوم محمدامین جبلی مبنی بر این که «کشته شدن برادرزاده‌اش باعث نشد پیمان و دیگر اعضای خانواده جبلی از حمایت از نظام دست بکشند»، شرافت و سلامت نفس این خانواده را می‌رساند که با وجود داغدار بودن، حاضر نشده‌اند دست از یاری جبهه حق و مواجهه با ترفندهای رذالت‌آلود دشمنان بکشند؛ دشمنانی که از هیچ جنایتی در حق ملت ما دریغ نکردند.

مقامات اسرائیل لاف می‌زنند اما امیدوار به احیای برجامند

اسرائیل در ماجرای برجام لاف می‌زند و نمی‌تواند به ایران حمله کند بلکه امیدوار است برنامه هسته‌ای ایران با احیای برجام مهار شود.

این تحلیل را پایگاه خبری «میدل ایست مانیتور» منتشر کرده و نوشت: بسیاری از چهره‌های تندروی اسرائیلی خواستار بمباران تاسیسات اتمی ایران شده‌اند اما رژیم اسرائیل و دولت‌های مختلف آن در سال‌های اخیر هیچ‌کدام جرأت یک چنین اقدامی را نداشته‌اند. در این فضا، برخی مقام‌های امنیتی اسرائیلی نظیر «شیما شاین» رئیس سابق بخش پژوهشی موساد امیدوارند که مذاکرات دیپلماتیک با ایران جهت دستیابی به یک توافق به نتیجه برسد. این در حالی است که سازمان جاسوسی موساد همواره در ظاهر ادعا می‌کند که باید رویکردهای سختگیرانه‌ای را علیه برنامه اتمی ایران عملیاتی کرد.

حال شاهدیم که در نمونه ذکر شده، یکی از مدیران آن به صراحت خواستار اتخاذ دیپلماسی در این رابطه می‌شود. تمامی این مسائل تنها حاوی یک نکته اساسی هستند و آن این است که ادعاهای دشمنی اسرائیل علیه ایران، بر پایه‌های سستی قرار دارند و به‌طور خاص، مخالفت‌های ظاهری آن با برنامه اتمی ایران و طرح آن به مثابه یک تهدید نیز، اغراق شده و تبلیغاتی هستند.

نخست‌وزیر سابق رژیم اسرائیل «بنیامین نتانیاهو» ماه گذشته با «یائیر لاپید» نخست‌وزیر موقت این رژیم، یک جلسه امنیتی داشت که در قالب آن برنامه هسته‌ای ایران و آخرین وضعیت آن به بحث گذاشته شد. پس از آن، وی گفت که لاپید و وزیر جنگ اسرائیل «بنی گانتس» به درستی به مسئولیت‌های خود جهت ایجاد اختلال در روند شکل‌گیری توافقی جدید با ایران عمل نکرده‌اند. به گفته نتانیاهو، مقام‌های اسرائیلی باید سلسله اقداماتی را انجام می‌دادند که نتانیاهو در دوران حضور خود در قدرت پیش از امضای نسخه اولیه توافق برجام در سال ۲۰۱۵ میلادی انجام داد و با نمایندگان بانفوذ کنگره، مقام‌های ارشد آمریکایی و چهره‌های رسانه‌ای سرشناس آمریکا دیدار و رایزنی داشت.

با این حال، یک مقام دولت کنونی اسرائیل تاکید دارد که نتانیاهو در دوران حضور خود در قدرت دقیقا به ما آموخت که راجع به ایران و مسئله اتمی این کشور چه کارهایی را انجام ندهیم. سال ۲۰۱۵، وی در کنگره آمریکا حاضر شد و با مقام‌های ارشد دولتی و رسانه‌ای آمریکا رایزنی و گفت‌وگو کرد و در نهایت نیز توافق اتمی با ایران به امضا رسید. در آن دوران، فراوان کار می‌کردیم اما عملاً نتایج معکوسی را به چشم می‌دیدیم که به نفع ما نبودند.

نتانیاهو، نفتالی بنت نخست‌وزیر سابق اسرائیل، یائیر لاپید، مقام‌های موساد و بسیاری از دیگر افراد و چهره‌های اسرائیلی در صحنه سیاسی و امنیتی این رژیم، اساسا دیدگاه مشترکی را در مورد معادله احیای برجام ندارند. «رونن برگمان» از روزنامه نیویورک‌تایمز دو ماه قبل در مقاله‌ای می‌نویسد: «نَه یائیر لاپید و نَه نخست‌وزیر قبل از او یعنی نفتالی بنت، به اندازه نتانیاهو با توافق برجام و احیای آن مخالفت ندارند». وی می‌افزاید: «اعضای عالی‌رتبه تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل می‌گویند که یک توافق جدید با ایران در چارچوب احیای برجام، کاملا در راستای منافع اسرائیل نیز است».

گفت و شنود

نشکن!

گفت: یادت هست که غربگراهای داخلی می‌گفتند جو بایدن دموکرات است و دموکرات‌ها اهل تعامل و منطق هستند و نباید فرصت مذاکره با او را از دست داد؟!

گفتم: معلومه که یادم هست. پادوهای آمریکا هنوز هم همین ادعا را در سایت‌ها و روزنامه‌های خود مطرح می‌کنند!

گفت: خبر داری که اخیراً بایدن جواب همه پادوهای آمریکا را داده است و گفته: «کشورهای جهان وصله روی شلوار جین ما هم نیستند»!

گفتم: این غربگداها از این‌همه قربون صدقه رفتن برای آمریکا و تحقیری که می‌شوند خجالت نمی‌کشند؟!

گفت: ای عوام! این جماعت به وطن‌دوستی و غیرت ملی اهمیتی نمی‌دهند و تازه ادعا می‌کنند که با پذیرش تحقیر، منافع ملی را حفظ کرده‌اند!

گفتم: یارو می‌خواست گردو بشکنه، گردو رو گذاشت زیر پاش و با سنگ محکم توی سر خودش کوبید!

نکته

فرزندان زهرا (س) از راه رسیدند...

۱- رعب و وحشت در میان مسیحیان افتاده بود، زنان چهره می‌خراشیدند، مردان با رنگ پریده به حمام خونی می‌اندیشیدند که پیش‌روی بود و نمونه‌هایی از آن را در فیلم‌ها و تصاویر واقعی دیده بودند. کودکان به دامان مادران پناه برده بودند. شاید نمی‌دانستند چه فاجعه‌ای در راه است ولی دلهره مادران و رنگ‌های پریده پدران از واقعه‌ای خبر می‌داد که هرچه بود، شادی و نشاطی در آن نبود... خبر رسیده بود که تروریست‌های داعش به چند کیلومتری آن منطقه مسیحی‌نشین رسیده‌اند. نام داعش با خون و آتش و دود و سربریدن‌ها و زنده زنده سوزاندن‌ها و زنان و دختران را به اسارت بُردن‌ها و کودکان را در قفس‌های آهنین غرق کردن‌ها و... همراه بود... همگان دست به دعا برداشته بودند و با چشم‌های گریان خدا را به یاری می‌طلبیدند. زنگ کلیسا به صدا درآمده بود و جمعیت را برای استغاثه و دعا به آستان خدای مهربان فرا می‌خواند...

**۲- ناگهان خبری به لطافت نسیم صبحگاهی از راه رسید و سراسر شهر را در نوردید. چهره‌های دژم و اندوه گرفته به شادی گرایید. چشم‌ها که از اشک ماتم خیس شده ب